

# سرخین

● با تبریک بیست و سومین سال تولد انقلاب اسلامی ایران

«قُلْ إِنَّمَا اعْظَمُكُمْ بِوَأِحْدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفِرَادَىٰ تُمَّ تَتَفَكَّرُوا...»

(ای پیامبر!) بگو که شما را به یک چیز نصیحت می‌کنم که برای خدا قیام کنید؛ دو نفر دو نفر و تک تک؛ آنگاه فکر کنید ... سوره سبأ - آیه ۴۶

موج‌ها را که آرام کنی، دیگر موج نیستند؛ هویت آن‌ها بر باد می‌رود! پروانه‌ها را که از شمع جدا کنی، دیگر پروانه نیستند!

آبشارها را که از ریزش و تواضع بستانی، آبشاری وجود ندارد!

صخره‌های میخ زمین را (کوه‌ها را) که از صلابت منها کنی، جز زحمت نیستند! درخت است و رویش، که بدون آن، همی‌زمی است در خور آتش!

ماجرای عرضه شدن بار سنگین امانت بر آسمان‌ها، زمین و کوه‌ها و سر باز زدن آنها (عدم استعدادشان) را در سوره احزاب خوانده‌ای؟ که انسان پا به صحنه می‌نهد و این پیکره به ظاهر خرد و در دنیای روح، به باطن بزرگ، امانت می‌پذیرد، که این آیت، یکی از بزرگترین آیاتی است که در قرآن در تمجید آدمیان (از حیث استعداد) نازل شده است.

خیزش، جوشش و اراده انسانی را که از این خلیفه خدا بگیری، دیگر برای نمره دادن به او چه چیزی می‌ماند؟ خیزش، برای خروج با پله‌های شناخت و ایمان به خدا؛ جوشش، عشق فطرت پاک او و در تکاپوی معشوق گمشده فطرت برآمدن؛ و بالاخره، اراده انسانی برای ایستادگی در برابر هوس‌های آشکار و پنهان که کشور تن و روان آدمی را برای استیلاء و حاکمیت ابلیس‌ها و شیطان‌های جنّی و انسانی فراهم و آماده می‌سازد.

مستندنامه قرآنی کوثر / شماره دوم



انقلابی بودن، یک سلیفه، یک تفتن، یک برداشت و قرائت و یک ذوق نیست! انقلابی بودن و عدم تحمل طاغوت با رگه‌های حیات آیات - چه تکوینی در نهاد او و چه نازل شده‌ها - عجین شده است.

گاهی به شگفت می‌آیم که چگونه ممکن است خواننده آیات قرآن، از کنار دهها آیت محکم و بین و واضح الدلالة، عبور کند و آنگاه بگوید که می‌توان دین‌داری و دنیاداری را از یکدیگر تفکیک کرد؟! دیانت را از سیاست، منفک نمود؟ هنوز برای این راقم کوچک، هضم نشده است!

آیاتی از این دست:

- ۱ - «ما لكم لا تقاتلون في سبيل الله و المستضعفين من الرجال و النساء و الولدان ...» (نساء - ۷۵)
- ۲ - «... ان الله لا يغير ما بقوم حتى يغيروا ما بانفسهم ...» (رعد - ۱۱)
- ۳ - «... قالوا و ما لنا الا نقاتل في سبيل الله و قد اخرجنا من ديارنا و ابنائنا ...» (بقره - ۲۴۶)
- ۴ - «قل انما اعظكم بواحدة ان تقوموا لله» (سبا - ۴۶)
- ۵ - «اذن للذين يقاتلون باثمهم ظلموا و ان الله على نصرهم لقدير» (حج - ۳۹)
- ۶ - «يسريدون ان يتحاكسما الى الطاغوت و قد امروا ان يكفروا به ...» (نساء... ۶۰)
- ۷ - «ان اعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت» (نحل - ۳۶)
- ۸ - «... فمن يكفر بالطاغوت و يؤمن بالله ...» (بقره - ۲۵۶)

## ترجمه‌ها:

۱: چرا در راه خدا جهاد و مقاتله نمی‌کنید؟ حال آنکه به ضعف کشیده‌شدگانی از مردان و زنان و کودکان، می‌گویند: خدایا! ما را از این آبادی که اهل آن ستمگرند رهایی بخش ...

۲: خداوند آنچه (حاکم) بر قومی است را تغییر نمی‌دهد تا خود آنان، وضعیت خود را تغییر دهند (تا خدا هم وضع جامعه آنان را تغییر دهد).

۳: بنی اسرائیل در باب مأموریت یافتن طالوت برای مبارزه با جالوت گفتند: چرا در راه خدا نجنگیم در حالی که از دیار و (کنار) فرزندانمان اخراج شده‌ایم؟ ...

۴: بگو که شما را به یک چیز نصیحت می‌کنم، که برای خدا قیام کنید!

۵: به آنان که مورد هجوم بوده‌اند، اجازت داده شد که مبارزه کنند و خدا بر یآوری آنها، توانا است.

۶: می‌خواهند از طاغوت قضاوت و حکم، بطلبند و حال آنکه مأمور بوده‌اند که به آن، کفر بورزند.

۷: (مأموریت همه انبیاء این بود که به مردمان بگویند: خدا را پرستش و از طاغوت اجتناب کنید.

۸: هر کس به طاغوت کفر ورزد و ایمان به خدا آورد ...

مسلم است که آیات، تدبیر و تأمل را، جویا شده‌اند و قرآن در انحصار یک زمان و یک اقلیم نیست و اجتناب از طاغوت مانند اجتناب از نجاست نیست و طاغوت هم مظاهر مختلف دارد.

مقدمه ایمان به خدا، کفرورزی به طاغوت است.

مکمل عبادت خدا، عدم همراهی با طاغوت است.

اجتناب از طاغوت عدم همراهی با طاغوت است.

طاغوت، مردمان را رها نمی‌کند تا آنکه مزاحمان حاکمیت را به تبعیت اجبار کند.

در حاکمیت طاغوت، مدیریت تربیت و آموزش عمومی با او است و ایمان‌داران به خدا، راهی برای ایده‌آل کردن آن ندارند و نفوذ در حاکمیت.



حاکمیت قضائی طاغوت، سیطره بر همگان پیدا می‌کند و رجوع به آن از نظر قرآن و روایات انبوه ما اشکال دارد.

غرض از این مقدمات، بیان این حقیقت است که نمی‌توان سرنوشت عمومی امت را از دیانت تفکیک کرد، نمی‌توان امت را بر سجاده‌های خصوصی رها کرد و روابط بین‌الملل و امت‌های غارت شده را به خود وا گذاشت.

امام راحل (رضوان‌الله تعالی علیه) در کتاب حکومت اسلامی، همین ایده قرآن و سنت نبوی و علوی را مبنای کار خود نمود.

امتی که قدرت قیام علیه طاغوتی را داشته باشد و برای حکومت، توان تلاش را برخوردار، و با وجود این شرائط، دست بردست بنهد، در قیامت محاکمه خواهد شد. به همین سبب، امت ما برخاست، شهید هدیه کرد و رنج زنجیر را هموار نمود.

وقتی به امام معصومی در دوران خاصی که امکانات قیام فراهم نبود، گفته می‌شد که چرا قیام نمی‌کنید، در آغاز بر روی عدم همراهی مردم یا سست عهدی، تکیه می‌نمود نه اینکه بگویند: قیام و تشکیل حکومت، رسالت ما نیست.

پرونده انقلاب اسلامی در سه ناحیه قابل تأمل است:

۱ - کارهای فراوان و بزرگ انجام شده که گاه به جهالت یا تجاهل، قدر آن مجهول است (مجال پرداختن به این موضوع نیست).

۲ - کارهای باقی مانده

۳ - نقطه ضعف‌هایی که با آسیب‌شناسی می‌توان آنها را بتدریج زدود و البتة برخی از آنها برای هر حرکت انقلابی، طبیعی است.

مجله کوثر، این ایام پرمیمنت دهه فجر را به رهبر مکرم انقلاب اسلامی، حضرت آیه‌الله خامنه‌ای و امت بزرگوار و سرفراز، تبریک گفته و علو درجه برای بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی و شهدای بلندجایگاه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس را از خداوند شهیدان، تمنا دارد.

والسلام

